

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۱۰۱-۱۱۹

بررسی فقر اقتصادی عشایر اسکان یافته استان فارس و تعیین عوامل مؤثر بر آن

دادگر محمدی، عبدالرسول شیروانیان، و غلامرضا چابکرو*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۸

چکیده

داده‌های پژوهش حاضر، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای دو مرحله‌ای، از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۷۵ خانوار عشایر اسکان یافته استان فارس جمع‌آوری و برای تحلیل آن‌ها، از شاخص‌های فقر و مدل توییت استفاده شد. نتایج مطالعه نشان داد که ۴۹/۱۴ درصد خانوارها دچار فقر بوده، از بین خانوارهای فقیر نیز نزدیک به شصت درصد خانوارها از فقر شدید رنج می‌برند و عمق فقر آنها بیش از هفتاد درصد است؛ همچنین میزان تحصیلات و سن سرپرست خانوار، سطح فعالیت کشاورزی، اندازه خانوار و تعداد دام از عوامل مؤثر بر کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته است؛ از این‌رو، برای مقابله پایدار با پدیده فقر در خانوارهای عشایر اسکان یافته، مطالعه حاضر تمرکز بر آموزش بزرگسالان، تقویت فعالیت مکمل و اهتمام به سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری را توصیه می‌کند.

* به ترتیب، مربی بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز؛ نویسنده مسئول و استادیار بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز (rasoolshirvanian@yahoo.com)؛ و استادیار بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز.

کلیدواژه‌ها: فقر اقتصادی، عشایر اسکان یافته، مدل توییت، فارس (استان).

مقدمه

عشایر به عنوان بخش سوم جامعه در کنار شهرنشینان و روستاییان به گروهی از اقشار جامعه اطلاق می‌شود که امرار معاش مبتنی بر دامداری و کشاورزی سنتی داشته و به دنبال یافتن شرایط آب و هوایی مناسب و مساعد و مراتع مورد نیاز برای تعلیف دام بوده و از فرهنگ ایلی و قومی برخوردارند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۸). در آغاز قرن پیش، جمعیت عشایری ایران نزدیک به نیمی از نفوس کشور را دربرمی‌گرفت. اما با گسترش آبادی‌نشینی در خلال قرن اخیر، سهم جمعیت عشایری به حدود ده درصد در آغاز دهه چهل و به کمتر از پنج درصد در دهه کنونی رسیده است. افزایش جمعیت عشایری، تخریب مراتع، و بسته شدن ایل‌راه‌ها به دلیل توسعه کالبدی شهرها، شرایط زیست طبیعی و معیشتی عشایر را با چالش روبه‌رو کرده است (عبداللهی، ۱۳۸۶؛ بخشی جهرمی، ۱۳۸۶). بر این اساس، ارائه راهبرد عملی مناسب برای سامان‌دهی عشایر با تکیه بر مطالعات اقتصادی-اجتماعی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، تاکنون معدودی از مطالعات اقتصادی-اجتماعی با تمرکز بر وضعیت معیشت جوامع عشایری به بررسی فقر اقتصادی این جوامع پرداخته‌اند، که از آن جمله می‌توان مطالعات نجفی (۱۳۸۲)، بخشنده نصرت (۱۳۸۲)، مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۶)، مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۸) و شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) را یادآور شد.

نجفی (۱۳۸۲) در زمینه بهره‌برداری نامطلوب از مراتع در استان فارس بر این موضوع اذعان دارد که برداشت بیش از حد مجاز مراتع به دلیل عدم تناسب دام و مرتع، باعث تخریب و صحرایی شدن مراتع می‌شود و در نهایت، فقر جوامع عشایری را در پی دارد. نتایج مطالعه بخشنده نصرت (۱۳۸۲) در زمینه برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر نیز بر این موضع تأکید دارد که جهت‌گیری‌های اقتصادی در کشور موجبات گسترش فقر را برای عشایر فراهم آورده است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به سیاست اسکان عشایر اشاره کرد. سیاست اسکان عشایر از دوره پهلوی اول با نگرش

سیاسی شروع شده و تا برنامه چهارم توسعه کشور (۸۸-۱۳۸۴) با نگرش توسعه پایدار ادامه یافته است. نتیجه اجرایی این سیاست در ایران به شکل‌گیری کانون‌های متعدد عشایری در کشور انجامیده است. اما نکته تأمل‌برانگیز در این زمینه آن است که تا چه میزان این کانون‌ها توانسته‌اند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زندگی عشایر منجر شوند. بر پایه پژوهش مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۶)، اسکان عشایر از مهم‌ترین بحث‌های مطرح در حوزه سامان‌دهی عشایر بوده و کانون‌های پدید آمده در نتیجه سیاست اسکان با چالش‌هایی چون سستی همکاری دستگاه‌های اجرایی در زمینه اسکان، ناتوانی مدیریت این کانون‌ها، و مشارکت اندک مردم در فرایند اسکان روبه‌روست که به نوبه خود، ناپایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این کانون‌ها را در پی دارد. در این راستا، مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای عشایری در کانون‌های اسکان استان چهارمحال و بختیاری پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که در این استان، اسکان عشایر در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی چندان موفقیت‌آمیز نبوده و از دست رفتن اشتغال پایدار و نیز وابستگی خانوارهای عشایری به مشاغل ناپایدار را موجب شده و در نتیجه، اسکان عشایر وضعیتی نامطلوب‌تر را برای آنها رقم زده است. در استان فارس نیز شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) به بررسی فقر خانوارهای عشایری در دوره خشکسالی و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن پرداختند. داده‌های این مطالعه به صورت پیمایشی و از طریق تکمیل ۴۵۷ پرسشنامه از خانوارهای عشایر استان فارس و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای سه‌مرحله‌ای به دست آمد. با توجه به تمرکز این مطالعه بر بررسی تأثیر خشکسالی بر فقر خانوارهای عشایری، در تجزیه و تحلیل اطلاعات، شاخص بارش استاندارد شده در قالب معیار تعیین وضعیت خشکسالی استفاده شد؛ همچنین، به منظور بررسی فقر، از شاخص‌های نرخ فقر و شکاف فقر و به منظور تعیین عوامل مؤثر بر احتمال فقر خانوارهای عشایری در دوره خشکسالی، از مدل توبیت استفاده شد. هرچند، مطالعه شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) بر موضوع اسکان عشایر

متمرکز نبود و پدیده خشکسالی را در کانون توجه قرار می‌داد، اما نتایج نشان داد که پدیده فقر در جامعه عشایری استان فارس وجود دارد و با بروز پدیده خشکسالی نرخ و شکاف فقر دچار تغییر شده، به افزایش ۱۷/۵ درصدی شکاف فقر خانوارهای عشایری می‌انجامد.

بدین ترتیب، بر پایه آنچه گفته شد، فقر پدیده‌ای رایج در جامعه عشایری بوده (نجفی، ۱۳۸۲؛ بخشنده نصرت، ۱۳۸۲؛ شیروانیان و صوفی، ۱۳۹۳) و اسکان عشایر سیاستی است که از قبل از انقلاب تاکنون، از سوی دولت دنبال شده است؛ و با عنایت به مطالعات مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۶) و مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۸) در خصوص اسکان عشایر، این سیاست چندان موفق نبوده است. از این رو، انتظار می‌رود فقر عشایر در کانون‌های اسکان همچنان پدیده‌ای رایج و حائز اهمیت باشد. از آنجا که بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۸۷، استان فارس با سهمی معادل ۱۲/۸۳ درصد کل خانوارهای عشایر ایران، بیشترین سهم خانوارهای عشایر کشور را در بین ۲۹ استان کشور به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸؛ اداره کل عشایر استان فارس، ۱۳۹۴) و همچنین، با توجه به عدم بررسی وضعیت فقر در خانوارهای عشایر اسکان‌یافته در ایران به‌طور خاص، مطالعه حاضر بررسی وضعیت فقر در جوامع اسکان‌یافته عشایری استان فارس را هدف قرار داده است.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر، برای بررسی فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته استان فارس، از مجموعه شاخص‌های نرخ فقر^(۱) و نسبت شکاف فقر در مطالعه فوستر و همکاران (Foster et al., 2010) با عنوان شاخص‌های فوستر - گریپر - توربک (FGT)^(۲) استفاده شده، شکل کلی این مجموعه از شاخص‌های فقر در رابطه زیر نشان داده شده است:

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right)^\alpha \quad \alpha = 0,1 \quad (1)$$

در رابطه (۱)، n تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه، q تعداد خانوارهای فقیر، z خط فقر، و x_i مخارج خانوار i ام نمونه مورد مطالعه بوده و پارامتر a نیز بیانگر درجه فقر‌گریزی است که با توجه به مقدار آن، هر کدام از شاخص‌های نرخ فقر و نسبت شکاف (عمق) فقر تعیین می‌شود. چنانچه مقدار پارامتر a برابر صفر باشد، شاخص نرخ فقر و چنانچه مقدار آن برابر یک باشد، شاخص نسبت شکاف فقر به دست می‌آید. شاخص نرخ فقر نشان‌دهنده نسبت افراد فقیر به کل افراد جامعه و بیانگر گستره فقر در جامعه است. این شاخص با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است (شیروانیان و بخشوده، ۱۳۸۸):

$$FGT = P(\alpha = 0) = \frac{q}{n} \quad (2)$$

با توجه رابطه (۲)، تغییرات درآمد افراد، تا زمانی که زیر خط فقر قرار دارند، بر مقدار شاخص بی‌تأثیر است. بر این اساس، این شاخص نمی‌تواند تأثیر هر گونه مساعدت به فقرا در محدوده زیر خط فقر را نشان دهد. به دیگر سخن، شاخص نرخ فقر قادر به بیان عمق فقر و میزان منابع مورد نیاز برای از بین رفتن فقر افرادی نیست که در زیر خط فقر قرار دارند. این نقطه ضعف با ارائه شاخص تکمیلی نسبت شکاف فقر برطرف می‌شود. در محاسبه شاخص نسبت شکاف فقر، فرض بر این است که تمام افراد فقیر به یک اندازه از فقر رنج می‌برند. بر این اساس، به وضعیت فقر تمام افراد وزنی یکسان برابر واحد داده می‌شود (شیروانیان و ترکمانی، ۱۳۸۹):

$$FGT = P(\alpha = 1) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right) \quad (3)$$

این شاخص، برخلاف شاخص نرخ فقر، به تعداد افراد فقیر کاملاً غیرحساس بوده و در مورد درصد افراد فقیر جامعه یا نمونه مورد مطالعه اظهار نظر نمی‌کند. در رابطه (۳)، از جمع صورت کسر، شکاف فقر محاسبه و با تقسیم آن بر خط فقر، مقدار شکاف فقر نرمال‌شده به دست می‌آید. با تقسیم مجموع شکاف فقر نرمال‌شده کلیه افراد فقیر بر تعداد کل افراد جامعه یا نمونه مورد مطالعه نیز نسبت شکاف فقر حاصل می‌شود.

بدین ترتیب، شاخص‌های نرخ فقر و نسبت شکاف فقر مکمل یکدیگرند، به گونه‌ای که شاخص نرخ فقر فراوانی نسبی افراد فقیر را نشان می‌دهد، بدون آنکه به بیان شدت یا عمق فقر آنها بپردازد، در حالی که شاخص نسبت شکاف فقر عمق فقر را بیان می‌کند، اما در مورد درصد افراد زیر خط فقر اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد (شیروانیان و ترکمانی، ۱۳۸۹).

توجه بدین نکته ضروری است که در به‌کارگیری معیارهای فقر گروه FGT، خط فقر مورد استفاده یک واقعیت خارجی ثابت نیست که دارای ارزش معین باشد و ضرورتی ندارد که تمامی مطالعات به یک ارزش ریالی واحد برای خط فقر در سال معین دست یابند (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). در ایران، مطالعاتی از جمله زاهدی مازندرانی (۱۳۸۴)، خداداد کاشی و همکاران (۱۳۸۴)، شیروانیان و نجفی (۱۳۹۰)، و شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) برای بررسی فقر، از معیار خط فقر نسبی استفاده کرده و مقدار دوسوم میانگین مخارج خانوارها را به عنوان خط فقر مورد توجه قرار داده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به طرز تلقی محقق از فقر و متغیرهای مورد استفاده برای ارزیابی آن، می‌توان مقادیر متفاوتی برای خط فقر در نظر گرفت (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). از این رو، در مطالعه حاضر، بر پایه مقادیر خط فقر نسبی مورد استفاده در ایران و نیز با توجه به استفاده از متغیرهایی مشابه با متغیرهای مطالعات شیروانیان و نجفی (۱۳۹۰)، شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) و اوکونمادوا و همکاران (Okunmadewa et al., 2007)، خط فقر نسبی برابر با دو سوم میانگین مخارج خانوارهای نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شد.

مدل توبیت برای داده‌هایی به کار می‌رود که دارای بخش‌هایی گسسته و پیوسته‌اند؛ و در واقع، مدل رگرسیون است که در آن، دامنه متغیر وابسته در برخی موارد سانسور شده و فقط قسمتی از دامنه آن قابل مشاهده است. این دامنه به کمک آستانه سانسور بیان می‌شود. بدین ترتیب که متغیر وابسته در بالای این آستانه قابل مشاهده بوده اما در مقادیر کمتر از آن غیرقابل مشاهده است. بر این اساس، ویژگی اصلی مدل توبیت وجود آستانه سانسور با احتمال بالا برای برخی از مقادیر است (Greene, 2008؛ Anastasopoulos et al., 2008). در مطالعه فقر، آستانه سانسور صفر است، بدین ترتیب که هر کدام از خانوارهای مورد مطالعه ممکن است فقیر یا غیرفقیر باشد. برای

خانوارهای غیرفقیر، میران فقر برابر صفر و اما برای خانوارهای فقیر، این میزان برابر با عددی بزرگتر از صفر است که توزیع آن برای مقادیر بیش از مقدار آستانه سانسور به صورت پیوسته است (Foster et al., 1984).
 در تخمین مدل توییت، برای پرهیز از برآورد اربب، به پیروی از گرین (Greene, 2008) و وولدریج (Wooldridge, 2009)، از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده شد. از سوی دیگر، در تعیین نکویی برازش مدل توییت، ضریب تعیین خبی دو (R^2) معیاری قابل اعتماد نیست. از این رو، به پیروی از آناستاسوپالوس و همکاران (Anastasopoulos et al., 2008)، از ضریب تعیین مادالا (R_M^2) در قالب رابطه (۴) استفاده شد. مقدار این ضریب بین صفر تا یک است و از مقایسه دو مقدار تابع درست‌نمایی به دست می‌آید:

$$R_M^2 = 1 - EXP \left\{ -\frac{2 \times (L_A - L_0)}{N} \right\} \quad (4)$$

در رابطه بالا، R_M^2 آماره مادالا، L_A و L_0 ، به ترتیب، مقدار تابع درست‌نمایی مدل توییت است «در حالتی که تمام متغیرها در مدل حضور دارند» و «در حالتی که تمام متغیرهای مدل به جز عرض از مبداء صفر هستند»، و N نیز تعداد مشاهدات نمونه مورد مطالعه است. شایان یادآوری است که برای به دست آوردن مقادیر L_A و L_0 ، مدل توییت در دو حالت یادشده به صورت جداگانه تخمین زده می‌شود.
 شکل کلی مدل توییت مورد استفاده در مطالعه حاضر به پیروی از شیروانیان و نجفی (۱۳۹۰) و شیروانیان و صوفی (۱۳۹۳) به صورت رابطه (۵) است:

$$q_i \begin{cases} = p_i = f \left(\begin{matrix} HD, SHD, HASHA, \\ Edu, AnH, AgH, \\ TimeE, AnN, Area \end{matrix} \right) + e_i & \text{if } p_i > p_i^* \\ = 0 = f \left(\begin{matrix} HD, SHD, HASHA, \\ Edu, AnH, AgH, \\ TimeE, AnN, Area \end{matrix} \right) + e_i & \text{if } p_i > p_i^* \end{cases} \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (5)$$

در رابطه (۵)، Q_i متغیر وابسته است. این متغیر در مواردی که خانوار \bar{I}_i غیر فقیر باشد، به صورت گسسته و در مواردی که خانوار \bar{I}_i فقیر باشد، به صورت پیوسته است. p_i نسبت شکاف یا عمق فقر خانوار \bar{I}_i است که با استفاده از رابطه (۳) به دست می آید. P_i^* عمق فقر در سطح برابری خط فقر با مخارج خانوار \bar{I}_i بوده، که مقدار آن برابر صفر است. متغیرهای مستقل شامل HD بعد خانوار (نفر)، SHD مربع بعد خانوار، HA سن سرپرست خانوار (سال)، SHA مربع سن سرپرست خانوار برای نشان دادن چرخه رفاه خانوار، Edu میزان تحصیلات سرپرست خانوار (سال)، AnH سابقه دامداری سرپرست خانوار (سال)، AgH سابقه کشاورزی سرپرست خانوار (سال)، TimeE سابقه اسکان (سال)، AnN تعداد دام (رأس)، Area میزان سطح زیر کشت (هکتار)، و e_i جمله خطاست. موضوع قابل ملاحظه در زمینه بعد خانوار اقتصاد مقیاس است. به منظور لحاظ این اثرات، علاوه بر بعد خانوار (HD)، مربع بعد خانوار (SHD) نیز باید مورد توجه قرار گیرد. علامت مثبت برای بعد خانوار و علامت منفی برای مربع آن نشان دهنده آن است که با افزایش بعد خانوار، ابتدا فقر خانوار افزایش و در ادامه، کاهش می یابد. علامت های برعکس علامت های یاد شده بیانگر وجود اثرات بعد خانوار بر فقر خانوار به صورت U شکل است (Chambwera and Folmer, 2007).

جامعه آماری مطالعه شامل خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس در سال ۱۳۹۲ بود. آمار و اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از دو شیوه اسنادی و پیمایشی، جمع آوری شد؛ در شیوه اسنادی، اطلاعات مورد نیاز از طریق مراجعه به اداره کل امور عشایر و سایر ادارات و سازمان های مرتبط با امور عشایر به دست آمد؛ و در شیوه پیمایشی، آمار و اطلاعات مورد نیاز از طریق نمونه گیری از جامعه عشایری و انجام مصاحبه و تکمیل پرسشنامه به دست آمد. به منظور انتخاب نمونه ها، از روش نمونه گیری تصادفی دو مرحله ای استفاده شد. در مرحله اول، انتخاب کانون های اسکان عشایری صورت گرفت و در مرحله دوم، خانوارهای نمونه مورد مطالعه در کانون های منتخب تعیین شد. شایان یادآوری است که در این روش، به منظور تعیین حجم نمونه مورد مطالعه، از رابطه (۶) استفاده شد.

$$n = \frac{N \times S^2}{(N-1) \times D + S^2} \quad (6)$$

در رابطه بالا، n حجم نمونه، N حجم جامعه، و S^2 واریانس است که از رابطه $S^2 = \left(\frac{\text{Range}}{4}\right)^2$ محاسبه شد. لازم به ذکر است که این واریانس در مرحله اول نمونه‌گیری، واریانس تعداد خانوارهای عشایر ساکن در کل کانون‌های اسکان عشایر بوده و در مرحله دوم نمونه‌گیری، واریانس تعداد دام خانوارهای عشایر ساکن در هر کدام از کانون‌های منتخب است. همچنین، دامنه خطا^(۳) ده درصد ($B=0/1$) در نظر گرفته شد که بر اساس آن، با استفاده از رابطه $D = \frac{B^2}{4}$ مقدار D به دست آمد (Kalton, 1990).

بدین ترتیب، با استفاده از روش نمونه‌گیری یادشده، در مجموع، از ۱۰۱ کانون اسکان عشایر استان فارس، شانزده کانون به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند و در ادامه، در کانون‌های منتخب، نمونه‌ای شامل ۱۷۵ خانوار عشایری به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شد و ضمن مصاحبه با هر کدام از خانوارها، تکمیل پرسشنامه صورت گرفت. لازم به ذکر است که به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزارهای SPSS و STATA SE 11.2 استفاده شد.

نتایج و بحث

برخی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای عشایر اسکان یافته نمونه مورد مطالعه در استان فارس در جدول ۱ آمده است. بر اساس اطلاعات این جدول، میانگین سن سرپرستان خانوارهای عشایری تقریباً ۴۸ سال بوده و از نظر سطح سواد ۴۴ درصد آنها بی‌سواد و ۵۶ درصد بقیه باسوادند. متوسط بعد خانوارهای نمونه مورد مطالعه ۵/۳۸ نفر است. میانگین سابقه فعالیت دامداری در بین این خانوارها ۳۲/۵۱ سال و میانگین سابقه فعالیت کشاورزی آنها ۱۴/۳۹ سال است. بدین ترتیب، فعالیت کشاورزی در بین دامداران کمتر از سابقه دامداری آنهاست. سابقه اسکان خانوارها نیز حداقل شش ماه، حداکثر ۲۷ سال و به‌طور متوسط، ۱۳/۵۷ سال است. علاوه بر آن، خانوارهای عشایر

اسکان یافته از سابقه کوچ در زمان قبل از اسکان برخوردارند. حداقل، حداکثر و میانگین سابقه کوچ خانوارهای عشایر اسکان یافته، به ترتیب، ۵، ۷۵ و ۳۳/۳۳ سال بوده، به طور متوسط، هر خانوار دارای حدود ۱۱۱ رأس دام است. همچنین، بر پایه اطلاعات جدول ۱ در زمینه کشاورزی، برخی از خانوارهای عشایر اسکان یافته فاقد زمین کشاورزی بوده‌اند؛ حداکثر زمین کشاورزی خانوارها ۲۶ هکتار بوده و به طور متوسط، هر خانوار عشایری دارای ۲/۵۱ هکتار زمین کشاورزی است.

جدول ۱- ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوارهای عشایر اسکان یافته در استان فارس

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
سن سرپرست خانوار (سال)	-	۲۴	۴۷/۸۷	۱۳/۹۷
وضعیت سواد سرپرست خانوار (درصد)	بی سواد		۴۴	-
	باسواد		۵۶	-
بعد خانوار (نفر)	۲	۱۰	۵/۳۸	۲/۰۶
سابقه دامداری (سال)	۵	۷۰	۳۲/۵۱	۱۵/۷۲
سابقه کشاورزی (سال)	۰	۴۰	۱۴/۳۹	۸/۷۸
مدت اسکان (سال)	۰/۵	۲۷	۱۳/۵۷	۶/۷۷
تعداد دام (رأس)	۱۰	۵۶۰	۱۱۱/۰۲	۷۵/۶۳
سطح زیر کشت (هکتار)	۰	۲۶	۲/۵۱	۴/۱۳

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول ۲، وضعیت شاخص نرخ فقر برای خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس آمده است. بر اساس اطلاعات این جدول، حدود نیمی از خانوارها (۴۹ درصد) با فقر اقتصادی مواجه‌اند و نزدیک به ۵۱ درصد بقیه غیرفقیر به شمار می‌روند.

جدول ۲- وضعیت شاخص نرخ فقر در خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس

مورد	تعداد خانوار	درصد فراوانی
خانوارهای فقیر	۸۶	۴۹/۱۴
خانوارهای غیرفقیر	۸۹	۵۰/۸۶
جمع کل خانوارها	۱۷۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

شاخص نسبت شکاف فقر نشان دهنده عمق فقر است. بر این اساس، در جدول ۳، مقادیر این شاخص برای خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس ارائه شده است. با عنایت به اطلاعات این جدول، نزدیک به شصت درصد خانوارهای فقیر عشایری از فقر شدید رنج می‌برند و عمق فقر آنها بیش از هفتاد درصد است. میانگین نسبت شکاف فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته ۳۱/۴۶ درصد بوده، به‌طور متوسط، خانوارهای عشایری برای خروج از فقر به مساعدتی معادل ۳۱/۴۶ درصد خط فقر فعلی (چهارصد هزار ریال) نیاز دارند؛ و در این صورت، سطح درآمدی خانوارهای عشایر اسکان یافته پاسخ‌گوی هزینه‌های زندگی آنها خواهد بود. بدین ترتیب، باید یارانه پرداختی دولت به حدود دو برابر (۸۵۵ هزار ریال) افزایش یابد تا بتواند اثربخشی لازم را در زمینه خروج از فقر اقتصادی در پی داشته باشد.

جدول ۳- توزیع شاخص نسبت شکاف فقر در خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس

خانوارهای فقیر عشایر اسکان یافته			دامنه نسبت شکاف فقر (درصد)
تعداد	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
۱۰	۱۱/۶۳	۱۱/۶۳	۱۰۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۹۰
۲۸	۳۲/۵۶	۴۴/۱۹	۹۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۸۰
۱۳	۱۵/۱۲	۵۹/۳۰	۸۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۷۰
۴	۴/۶۵	۶۳/۹۵	۷۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۶۰
۴	۴/۶۵	۶۸/۶۰	۶۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۵۰
۳	۳/۴۹	۷۲/۰۹	۵۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۴۰
۸	۹/۳۰	۸۱/۴۰	۴۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۳۰
۹	۱۰/۴۷	۹۱/۸۶	۳۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۲۰
۴	۴/۶۵	۹۶/۵۱	۲۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۱۰
۳	۳/۴۹	۱۰۰	۱۰ ≤ نسبت شکاف فقر < ۰
۸۶	۱۰۰		جمع کل
		۳۱/۴۶	میانگین نسبت شکاف فقر (درصد)
		۰/۴۰	میانگین سرانه شکاف فقر (میلیون ریال)

منبع: یافته‌های تحقیق

هرچند، در حال حاضر، مساعدت نقدی دولت یک اقدام مستقیم در مقابله با فقر اقتصادی خانوار است، اما با توجه به تحمیل هزینه به دولت، نمی‌توان پایداری این اقدام را تضمین کرد. از این‌رو، در راستای تضمین پایداری اقدامات مقابله با فقر، شناسایی عوامل مؤثر بر فقر خانوارها و تلاش در مدیریت این عوامل بسیار اهمیت دارد.

اطلاعات مربوط به برآورد مدل تسویت در تعیین عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای عشایری اسکان‌یافته استان فارس در جدول ۴ آمده است. بر اساس اطلاعات این جدول، از بین عوامل در نظر گرفته شده در مدل، به‌ترتیب، مربع بعد خانوار، سن سرپرست خانوار و مربع آن، میزان تحصیلات سرپرست خانوار، تعداد دام و میزان فعالیت کشاورزی (سطح زیر کشت) عوامل دارای بیشترین تأثیر معنی‌دار آماری شناخته شدند. همچنین، ستون آخر این جدول به رتبه‌بندی سطح تأثیر متغیرهای معنی‌دار شده در این مدل اختصاص دارد. لازم به ذکر است که هرچند، هر کدام از متغیرهای سابقه دآمداری، سابقه کشاورزی و مدت اسکان از برخی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی قابل توجه در بین خانوارهای عشایر اسکان‌یافته برخوردارند (جدول ۱)، اما باید توجه داشت که تغییرات این ویژگی‌ها در بین خانوارهای عشایری تأثیری بر تغییرات احتمال فقر در این خانوارها نداشته است و به همین دلیل، متغیرهای مربوط به ویژگی‌های یادشده در مدل معنی‌دار نشدند. از این‌رو، در ادامه، به تشریح متغیرهای معنی‌دار شده در مدل پرداخته شده است.

بر اساس نتایج جدول ۴، میزان تحصیلات سرپرست خانوار دارای بیشترین مقدار اثر نهایی است. این موضوع بیانگر آن است که با یک واحد افزایش در میزان تحصیلات سرپرست خانوارها، احتمال فقیر شدن خانوارهای عشایر اسکان‌یافته در استان فارس کاهش ۱۱/۸۷ واحدی نشان می‌دهد. پس از سطح تحصیلات، سن سرپرست خانوار بالاترین مقدار اثر نهایی را در احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، اثر این متغیر بر احتمال فقر خانوارها منفی و اثر نهایی مربع آن بر احتمال فقر خانوارها مثبت است. این موضوع نشان می‌دهد که در خانوارهای عشایر اسکان‌یافته، با افزایش سن سرپرست خانوار، ابتدا احتمال فقر خانوار

کاهش می‌یابد؛ اما در ادامه، با تغییر این روند، افزایش سن سرپرست خانوار احتمال فقر خانوار را در پی دارد. با عنایت به میزان اثر نهایی متغیر سن نسبت به میزان اثر نهایی متغیر مربع سن، به نظر می‌رسد که با ورود سرپرستان خانوارهای عشایر اسکان یافته به دوره پیری، به دلیل ضعف و ناتوانی جسمانی ناشی از سالمندی و به دنبال آن، از کار افتادگی و نیز به دلیل عدم برخورداری از حمایت‌های اجتماعی مناسب در این دوره (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲)، احتمال فقر آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۴- عوامل مؤثر بر احتمال فقیر شدن خانوارهای عشایر اسکان یافته استان فارس

رتبه تأثیر	آماره Z	اثر نهایی	ضریب	متغیر
-	۱/۹۹**	-	۱۱۵/۱۷	مقدار ثابت
-	۱/۵۸	۲۱/۷۱	۲۱/۷۱	بعد خانوار
۴	-۱/۶۵*	-۱/۸۶	-۱/۸۶	مربع بعد خانوار
۲	-۱/۸۰*	-۴/۸۴	-۴/۸۴	سن
۶	۱/۸۸*	۰/۰۵	۰/۰۵	مربع سن
۱	-۱/۹۱**	-۱۱/۸۷	-۱۱/۸۷	میزان تحصیلات
-	-۰/۰۸	-۰/۰۶	-۰/۰۶	سابقه دامداری
-	۰/۵۱	۰/۴۶	۰/۴۶	سابقه کشاورزی
-	-۱/۲۶	-۱/۱۷	-۱/۱۷	مدت اسکان
۵	-۱/۸۹**	-۰/۱۸	-۰/۱۸	تعداد دام
۳	-۱/۸۹**	-۳/۶۳	-۳/۶۳	سطح زیر کشت
	۱۷۵			تعداد مشاهدات
	-۵۳۴/۴۰			نسبت درست‌نمایی (Log likelihood)
	۰/۱۵			R ^۲ _M

* معنی‌داری در سطح ده درصد ** معنی‌داری در سطح پنج درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

سومین عامل مؤثر بر کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته پرداختن خانوارها به فعالیت کشاورزی است. در این راستا، یک واحد افزایش در زمین زراعی خانوارهای عشایری اسکان یافته ۳/۶۳ واحد احتمال فقر آنها را کاهش می‌دهد. بر این اساس، با عنایت به تغییر شیوه دامداری از حالت کوچ به ثابت و در نتیجه، تمرکز بر

فعالیت در یک محدوده جغرافیایی، پرداختن به فعالیت کشاورزی در کنار دامداری می‌تواند کاهش احتمال فقر این خانوارها را در پی داشته باشد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته مربع بعد خانوار است. هرچند، متغیر بعد خانوار در مدل معنی‌دار نشده و حاکی از عدم تأثیر بعد خانوار بر احتمال فقر خانوارهاست، اما با توجه به معنی‌دار شدن مربع بعد خانوار و علامت منفی آن، می‌توان چنین استنباط کرد که با افزایش بعد خانوار به تدریج این متغیر از عاملی خنثی به عاملی مؤثر در کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته تبدیل می‌شود؛ زیرا به‌طور معمول، انجام فعالیت‌های دامداری و کشاورزی در جامعه عشایری بر نیروی کار خانوادگی متمرکز است و با افزایش بعد خانوار عشایری، امکان استفاده خانوار از این نیروی کار خانوادگی در انجام فعالیت‌های اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی خانوار افزایش می‌یابد. همچنین، بر پایه نتایج مطالعه موکرجی و بنسون (Mukherjee and Benson, 2003)، با افزایش بعد خانوار، هزینه‌های زندگی به همان نسبت افزایش نمی‌یابد. بر این اساس، در مجموع، بعد خانوار عامل کاهنده در احتمال بروز فقر در خانوارهای عشایر اسکان‌یافته به‌شمار می‌رود.

در پایان، یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته تعداد دام آنهاست. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در تعداد دام این خانوارها، از میزان فقر آنها به میزان ۰/۱۸ واحد کاسته می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد که تقریباً نیمی از خانوارهای عشایر اسکان‌یافته نمونه مورد مطالعه در استان فارس با فقر اقتصادی مواجه‌اند. از بین این خانوارهای فقیر، نزدیک به شصت درصد خانوارها از فقر شدید رنج می‌برند و عمق فقر آنها بیش از هفتاد درصد است. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که منابع دامی و زراعی موجود و در اختیار این خانوارها (جدول ۱) تکافوی نیاز آنها را نمی‌کند. بر اساس نتایج مطالعه، خانوارهای عشایری برای خروج از فقر، به‌طور متوسط، به مساعدتی برابر با چهارصد هزار ریال

به ازای هر نفر نیاز دارند. بدین ترتیب، برای خروج خانوارهای عشایر اسکان‌یافته از فقر اقتصادی، باید یارانه نقدی پرداختی دولت افزایشی تقریباً صد درصدی داشته باشد. هرچند، در حال حاضر، دولت همچنان سیاست یارانه نقدی را در دستور کار دارد، اما در تأمین اعتبار مورد نیاز برای پرداخت آن، با مشکل مواجه است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که پیشنهاد افزایش یارانه نقدی، به دلیل تحمیل هزینه اضافی به دولت، نمی‌تواند سیاستی پایدار و مناسب برای مقابله با فقر در جامعه عشایری باشد. از این رو، در راستای تضمین پایداری اقدامات مقابله با فقر، شناسایی عوامل مؤثر بر فقر خانوارها و تلاش در مدیریت این عوامل از اهمیت به‌سزا برخوردار است.

بر اساس نتایج مطالعه حاضر، میزان تحصیلات سرپرست خانوار دارای بیشترین تأثیر بر کاهش احتمال فقیر شدن خانوارهای عشایر اسکان‌یافته در استان فارس است. در این راستا، مطالعه آوان و همکاران (Awan et al., 2011)، در خصوص بررسی تأثیر آموزش و سطح تحصیلات بر فقر در پاکستان، نشان داد که سطح تحصیلات دارای رابطه منفی با شاخص فقر در سطح خانوارهاست. بر این اساس، تمرکز بر آموزش بزرگسالان در بین عشایر اسکان‌یافته می‌تواند در قالب نخستین اولویت در راستای کاهش فقر این خانوارها مورد توجه قرار گیرد.

نکته حائز اهمیت دیگر در نتایج مطالعه حاضر آن است که پس از سطح تحصیلات، سن سرپرست خانوار بالاترین مقدار اثر نهایی را در احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان‌یافته به خود اختصاص داده است. در این راستا، نتایج مطالعه نشان داد که در خانوارهای عشایر اسکان‌یافته، چرخه رفاه خانوار به صورت U شکل است، بدین ترتیب که با افزایش سن سرپرست خانوار، ابتدا احتمال فقر خانوار کاهش می‌یابد؛ اما در ادامه، با تغییر این روند، با افزایش سن سرپرستان خانوارها و ورود آنها به دوره پیری، احتمال فقر خانوار افزایش می‌یابد. این نتیجه در راستای نتایج مطالعات چامبورا و فولمر (Chambwera and Folmer, 2007) و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 2011) است. بر این اساس، اتخاذ رویکردهای حمایت از خانوارهای عشایر اسکان‌یافته دارای سرپرست سالمند می‌تواند در جلوگیری از فقر آنها مؤثر باشد.

همچنین، نتایج مطالعه نشان داد که با افزایش سطح فعالیت کشاورزی، احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته کاهش می‌یابد؛ با افزایش تعداد دام این خانوارها نیز از احتمال فقر آنها کاسته می‌شود. در عین حال، تأثیر فعالیت کشاورزی بر کاهش احتمال فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته بیش از تأثیر افزایش تعداد دام آنهاست. با عنایت بدین نکته که هر خانوار عشایر اسکان یافته به‌طور متوسط دارای ۲/۵ هکتار زمین کشاورزی و ۱۱۱ رأس دام سبک است، می‌توان دریافت که افزایش فعالیت کشاورزی منطقی‌تر از افزایش تعداد دام است؛ و بر این اساس، در کانون‌های اسکان عشایر، تمرکز صرف بر فعالیت دامداری در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها توصیه نمی‌شود و پرداختن به سایر فعالیت‌ها از جمله فعالیت کشاورزی در قالب فعالیت مکمل در کنار دامداری می‌تواند کاهش احتمال فقر این خانوارها را در پی داشته باشد.

سرانجام، بر پایه نتایج مطالعه حاضر، افزایش بعد خانوارهای عشایر اسکان یافته به‌صورت یک عامل کاهنده احتمال فقر خانوار عمل می‌کند. در این راستا، ترن و همکاران (Tran et al., 2015)، با بررسی فقر در کشور ویتنام، نشان دادند که اندازه خانوار با شاخص فقر دارای رابطه منفی است. از این رو، اتخاذ رویکردهای کنترل جمعیت در کانون‌های اسکان عشایر توصیه نمی‌شود؛ بلکه با عنایت به سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، به‌ویژه بند ششم این سیاست‌ها مبنی بر تمرکز بر ارتقای امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌ها و نیز بند هشتم این سیاست‌ها مبنی بر توانمندسازی جمعیت در سن کار و کارآفرینی متناسب با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴)، می‌توان از ظرفیت موجود در خصوص بعد خانوار، در راستای کاهش فقر خانوارهای عشایر اسکان یافته سود جست.

یادداشت‌ها

1. Headcount ratio
2. Foster, Greer and Thorbecke
3. Bound on the Error

منابع

- اداره کل عشایر استان فارس (۱۳۹۴)، «معرفی جامعه عشایری فارس». قابل دسترسی در: <http://ashfars.ir>
- اسدی، علی؛ بهرام‌نژاد، علی؛ حسن‌پور، الهه؛ خادم، صدیقه؛ رجائی، فرحناز؛ زرکش، عالیه؛ سرگزی، فاطمه؛ صالحیان، مریم؛ طباطبائی، سیدمهدی؛ فتحی، حمیدرضا؛ قیومی، رئوفه؛ و کاویانی، ناهید (۱۳۹۲)، *سلامت روان و سالمندان*. کرمان: دانشگاه علوم پزشکی کرمان.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۸)، *کوچ‌نشینی در ایران*. ویرایش اول. تهران: آگه.
- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی». *مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایری*، تهران، سازمان امور عشایری ایران.
- بخشی جهومی، آرمان (۱۳۸۶)، «آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر (مطالعه موردی عشایر سامانه درزه، زیست‌بوم هامون - جازموریان، شهرستان کهنوج)». *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۴)، «سیاست‌های کلی جمعیت». قابل دسترسی در: <http://www.leader.ir>
- خداداد کاشی، فرهاد؛ حیدری، خلیل؛ و باقری، فریده (۱۳۸۴)، «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳». *رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۱۳۷-۱۶۳.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۴)، «فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران». *رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۲۸۹-۳۲۶.
- شیروانیان، عبدالرسول و بخشوده، محمد (۱۳۸۸)، «بررسی میزان آسیب‌پذیری در برابر فقر در مناطق روستائی شهرستان فسا». *اقتصاد کشاورزی*، سال ۳، شماره ۳، صص ۶۷-۹۰.
- شیروانیان، عبدالرسول و ترکمانی، جواد (۱۳۸۹)، «فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس». *اقتصاد کشاورزی*، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۳-۱۰۵.
- شیروانیان، عبدالرسول و صوفی، مجید (۱۳۹۳)، «بررسی فقر خانوارهای عشایری در دوره خشکسالی و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن در استان فارس». *روستا و توسعه*، سال ۱۷، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۰.
- شیروانیان، عبدالرسول و نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۹۰)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی (مطالعه موردی: محدوده شبکه آبیاری و زهکشی درودزن)». *اقتصاد کشاورزی*، سال ۵، شماره ۳، صص ۲۵-۵۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶)، «اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی در ایران (مطالعه موردی طایفه وردی علی نظر در استان ایلام)». *نامه علوم اجتماعی*، سال ۳۲، شماره ۴، صص ۱۹-۵۳.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، *سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده-۱۳۸۷: نتایج تفصیلی*. تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- مهدوی حاجیلویی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ و دادورخانی، فضیله (۱۳۸۸)، «سنجش نگرش عشایر اسکان‌یافته نسبت به اسکان در استان چهارمحال و بختیاری». *روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۳۷-۱۶۳.
- مهدوی حاجیلویی، مسعود؛ رضایی، پژمان؛ و قدیری معصوم؛ مجتبی (۱۳۸۶)، «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن». *روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۴۱-۶۲.
- نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۲)، «عشایر و مسئله بهره‌برداری نامطلوب از مراتع: مطالعه موردی استان فارس». *مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، تهران، سازمان امور عشایری ایران.
- Anastasopoulos, P. C.; Tarko, A. P.; and Mannering, F. L. (2008), "Tobit analysis of vehicle accident rates on interstate highways". *Accident Analysis and Prevention*, 40(2): 768-775.
- Awan, M. S.; Malik, N.; Sarwar, H.; and Waqas, M. (2011), "Impact of education on poverty reduction". *Munich Personal RePEc Archive (MPRA)*, Paper No. 31826. Available on: <http://mpra.ub.uni-muenchen.de>.
- Chambwera, M. and Folmer, H. (2007), "Fuel switching in Harare: an almost ideal demand system approach". *Energy Policy*, 35(4): 2538-2548.
- Foster, J.; Greer, J.; and Thorbecke, E. (1984), "A class of decomposable poverty measures". *Econometrica*, 52(3): 761-766.
- Foster, J.; Greer, J.; and Thorbecke, E. (2010), "The Foster-Greer-Thorbecke (FGT) poverty measures: 25 years later". *Economic Inequality*, 8(4): 491-524.
- Greene, W. H. (2008), *Econometric Analysis*. USA, New Yourk: Prentice Hall.
- Kalton, G. (1990), *Introduction to Survey Sampling*. USA: Sage.
- Mukherjee, S. and Benson, T. (2003), "The determinants of poverty in Malawi, 1998". *World Development*, 31(2): 339-358.
- OECD (2011), "Old-age income poverty". In: *Pensions at a Glance 2011: Retirement-Income Systems in OECD and G20 Countries*. OECD Publishing.

- Okunmadewa, F. Y.; Yusuf, S. A.; and Omonona, B. T. (2007), "Effects of social capital on rural poverty in Nigeria". *Pakistan Journal of Social Sciences*, 4(3): 331-339.
- Tran, V. Q.; Alkire, S.; and Klasen, S. (2015), "Static and dynamic disparities between monetary and multidimensional poverty measurement: evidence from Vietnam". *Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI), Working Paper, No. 97*. Oxford Department of International Development. Queen Elizabeth House (QEH), University of Oxford.
- Wooldridge, J. M. (2009), *Introductory Econometrics: A Modern Approach*. USA, Mason: South-Western Cengage Learning.